

بررسی تروریستی خواندن سپاه پاسداران از جانب آمریکا از منظر حقوق بین‌الملل

حجت‌اله ابراهیمیان^۱، سید مهران محمدی^۲

چکیده

این مقاله به بررسی تروریستی خواندن سپاه در قالب حقوق بین‌الملل پرداخته است. ایالات متحده آمریکا در تازه‌ترین اقدام خود علیه جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سازمان‌های تروریستی خود قرار داد. این اولین بار است که یک نهاد رسمی از یک دولت مستقل از سوی کشوری دیگر با چنین تصمیمی مواجه می‌شود. مقامات این کشور با متهم نمودن این نهاد به حمایت از تروریسم در منطقه از این اقدام خود بعنوان اهرمی برای فشار بیشتر و کشاندن ایران به میز مذاکره نام برده‌اند. در مقاله پیش‌رو سعی بر آن شده تا با ارائه تعریفی از تروریسم و بررسی اسناد جهانی و قوانین داخلی آمریکا در این خصوص به بحث پرداخته و ضمن توصیفی از شرایط ایجاد شده به تحلیل حقوقی این اقدام بپردازیم. جمهوری اسلامی ایران در قبال این تصمیم، دست به اقدام متقابل زده و فرماندهی مرکزی آمریکا موسوم به سنکام و تمامی نیروهای وابسته به آن را گروه تروریستی اعلام کرده است. یافته‌ها بر این اصل استوار است که این اقدام ایالات متحده خلاف اصول منشور ملل متحد، ناقض صلح و امنیت و نظم بین‌المللی قلمداد می‌شود و حضور پررنگ شورای امنیت را بعنوان رکن حافظ صلح سازمان ملل در این عرصه طلب می‌کند. همچنین وفق مواد (۴۰) و (۴۱) کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت دولت‌ها، مسئولیت بین‌المللی ایالات متحده را در پی داشته، محکوم به عدم شناسایی است و اصولاً باید به شورای امنیت گزارش شود.

واژگان کلیدی: آمریکا، سپاه پاسداران، تروریسم، تحریم، حقوق بین‌الملل

^۱ عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم

sedmehran@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم

مقدمه

پدیده تروریسم که بعنوان یکی از مسائل حائز اهمیت در دنیای امروز مورد توجه قرار گرفته است در حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر به اوج خود رسید و در آن نه تنها خساراتی به برج‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی در شهر نیویورک وارد آمد بلکه حیثیت و شأن ایالات متحده آمریکا بعنوان یک ابرقدرت به شدت مورد آسیب قرار گرفت. می‌توان بیان داشت که این حادثه نقطه عطفی در سیاست خارجی آمریکا بود و نحوه مواجهه با این موضوع و سایر مسائل جهانی را بیش از گذشته دستخوش تغییر نمود. پس از فروپاشی کمونیسم و تک‌قطبی بودن فضای حاکم بر جهان ایالات متحده یک بار دیگر مجدداً تعریف جدیدی از دوستان و متحدان و همچنین دشمنان خود ارائه داد و استراتژی‌های جدیدی را در سایه خطرات تروریسم ترسیم نمود که اسلام‌ستیزی و مبارزه با گروه‌های برخاسته از تفکر اسلامی در صدر این مباحث قرار می‌گرفت.

علی‌ایحال قبل از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، تروریسم بین‌المللی عمدتاً بعنوان موضوع حقوق کیفری مطرح بود و تأکیدش بر این بود که از انجام جرم و جنایت بوسیله ابزارهای اطلاعاتی یا اجرای قانون جلوگیری کند و اگر پیشگیری ناکام ماند، تهدید، پیگرد قانونی و مجازات را بر عاملان اجرا کند. با این حال، بعد از ۱۱ سپتامبر، رویکرد دادگاه کیفری از مرکز توجه دور شد و استفاده از ابزار نظامی جایگزین شد. تصمیم به استفاده از مدل نظامی ضدتروریسم به جای مدل اجرای قانون و یا برعکس، ممکن است در عمل عواقب جدی به همراه داشته باشد. بعنوان مثال، براساس قوانین اجرایی حقوق، ما مجاز به پیگرد و به قتل رساندن یک جنایتکار، قبل از اینکه وی دستگیر شود نیستیم، مگر اینکه این کار را در مقام دفاع مشروع انجام دهیم. اما از نظر مدل‌های نظامی، می‌توان دشمن را با قصد کشتن دنبال کرد.

حمله به افغانستان و عراق در راستای همین دیدگاه شکل گرفت و در تازه‌ترین اقدام دولت ترامپ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را بعنوان اولین نهاد رسمی وابسته به یک دولت در لیست سازمان‌های تروریستی قرار داد. نهادی که بفرمان رهبر انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) شکل گرفت و براساس اصل یکصد و پنجاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به حیات خود ادامه داد. همانطور که این اصل اشعار داشته است: "سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در نخستین روزهای پیروزی این انقلاب تشکیل شد، برای ادامه نقش خود در نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن پا برجا می‌ماند. حدود وظایف و قلمرو مسئولیت سپاه در رابطه با وظایف و قلمرو مسئولیت نیروهای مسلح دیگر با تأکید بر همکاری و هماهنگی برادرانه میان آنها بوسیله قانون تعیین می‌شود."

مقاله حاضر درصدد پاسخگویی به این سوال می‌باشد که اقدام اخیر آمریکا درخصوص تروریستی خواندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از منظر حقوق بین‌الملل چگونه ارزیابی می‌گردد؟ یا به عبارتی دیگر بررسی نماید که آیا این اقدام از منظر موازین حقوق بین‌الملل مشروعیت دارد؟ در پاسخ به این سوال، مفروض مقاله

این است که تروریستی خوانده شدن این نهاد از سوی ایالات متحده خلاف اصول مصرح در منشور ملل متحد نظیر اصل عدم مداخله، اصل برابری دولت‌ها و اصل منع توسل به زور و ... بوده و براساس مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ۲۰۰۱ مسولیت بین‌المللی ایالات متحده را در پی دارد.

۱- مفهوم‌شناسی تروریسم

واژه تروریسم از ادبیات کهن فرانسه ریشه گرفته است که خود دارای ریشه لاتین ترر به معنی ترساندن و ترس و وحشت است (Consize Oxford Dictuner, 2004). قانون فدرال ایالات متحده تروریسم را اینگونه تعریف می‌کند که تروریسم عبارت از خشونت‌ی از پیش طراحی شده با جهت‌گیری سیاسی است که علیه اهداف نظامی و غیرنظامی از سوی عوامل مخفی که معمولاً برای تأثیرگذاری بر مخاطبان بکار گرفته می‌شود. برای اف. بی. ای تروریسم به معنای استفاده غیرقانونی از زور و خشونت یا اموال آنها به منظور تهدید یا مجبور ساختن حکومت، مردم غیرنظامی یا هر بخشی از آن، در جهت پیشبرد اهداف سیاسی و اجتماعی است (Schinkel, 2009: 180). برپایه دایره‌المعارف بریتانیکا تروریسم به معنی کاربرد سیستماتیک خشونت برای ایجاد جو رعب و وحشت علیه حکومت‌ها، مردم یا افراد برای دستیابی به هدفی سیاسی است (www.Britanica.com).

۵۳

سازمان ملل مبارزه با تروریسم را چنین تعریف می‌کند: «اقدامات لازم برای جلوگیری از تروریسم بین‌المللی که جان انسان‌های بیگناه را به خطر می‌اندازد و آزادی‌های اساسی را مورد تهدید قرار می‌دهد» (قطعنامه ۵۱/۲۱۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد درخصوص مبارزه با تروریسم بین‌المللی). کمیسیون حقوق بین‌الملل هم بر این نظر است که: «تروریسم شامل همه فعالیت‌های جنایتکارانه‌ای می‌شود که علیه دولت ویژه‌ای انجام می‌شود و هدف آن ایجاد رعب و وحشت در ذهن دولت یا هر ارگانی از ارگان‌های آن دولت یا گروه خاصی از آن است» (سالنامه کمیسیون حقوق بین‌الملل، ۱۹۹۶، جلد ۲، قسمت ۲).

شعبه پژوهشی دادگاه ویژه لبنان (محکمه ویژه برای لبنان، ۲۰۰۷) اظهار داشت که تعریف تروریسم در حقوق بین‌المللی عرفی از سه عنصر کلیدی ذیل تشکیل یافته است: (۱) ارتکاب یک عمل مجرمانه (از قبیل، قتل عمد، آدم‌ربایی، گروگان‌گیری، ایجاد حریق عمدی و غیره) یا تهدید به انجام چنین عملی؛ (۲) قصد ایجاد رعب و وحشت در میان مردم (که اغلب ایجاد خطر عمومی را به دنبال دارد) یا ناگزیر کردن یک مقام ملی یا بین‌المللی چه به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به اتخاذ تدابیر یا در برخی موارد ناگزیر نمودن این مقامات به خودداری از عملی؛ (۳) آن هم جایی که عمل دربردارنده یک عنصر فراملی باشد. شعبه پژوهشی، حقوق لبنان درخصوص تروریسم و تعریف تروریسم در حقوق بین‌الملل عرفی را با هم مدنظر قرار داده و به این نتیجه رسید که استفاده از وسایل خاص در یک حمله نمی‌تواند عامل تعیین‌کننده در احراز آن حمله بعنوان

یک حمله تروریستی یا یک قتل عمد ساده باشد. به عبارت دیگر، شعبه پژوهشی برخلاف رویه قضایی لبنان بر این باور بود که علی‌رغم این مطلب حملات انجام گرفته با هفت تیر و تفنگ که عموماً فی‌نفسه برای عامه مردم ایجاد خطر نمی‌کنند نیز داخل در صلاحیت دادگاه ویژه لبنان هستند که این اولین باری است که یک محکمه بین‌المللی بطور مقتدرانه و معتبر، تعریف تروریسم را براساس حقوق بین‌الملل مشخص می‌نماید (شارف، ۲۰۰۴: ۳۶۱).

واژه «تروریسم» اگرچه بسیار مورد استعمال قرار گرفته و همگان به نوعی از این پدیده نگران هستند اما تجلی آن واژه در عمل چندان به تعریف تن در نمی‌دهد و در یک چارچوب نمی‌گنجد. این مشکل بدان جهت است که هر گروهی می‌خواهد براساس مصالح و صلاحیت خود آن واژه را تعریف نماید. در واقع استاندارد دوگانه در برخورد با این مقوله بر دامنه مشکلات افزوده است (محمدی عراقی، ۱۳۸۸: ۱۴۸). اینکه همگان معترفاند که نمی‌توان برای تروریسم تعریفی جامع و همه‌پسند ارائه داد به دلیل خاستگاه متفاوت آدمیان و آرمان‌های آنان است. به همین دلیل مشاهده می‌شود آنچه که در غرب بعنوان مصداق بارز تروریسم و ارباب درخصوص فلسطین و برخی گروه‌های اسلامی مطرح می‌شود از سوی مسلمانان مثل اعلامی رشادت و تعهد دینی به شمار رفته و مورد تمجید و تکریم است (محمدی عراقی، ۱۳۸۸: ۱۳۹).

عملاً، اصطلاح تروریسم و تروریست‌ها توسط سیاستمداران و دیپلمات‌ها برچسب‌هایی است که برای توصیف دشمنان خود استفاده می‌کنند. این کلیشه که «تروریست یک مرد، جنگجوی آزاد مرد دیگری است»، انعکاس بدی از این بازی با معانی است. این همچنین نشان دهنده یک درگیری ارزشی شدید بین کسانی است که معتقدند، هدف همیشه ابزار را توجیه می‌کند، و کسانی که به این اعتقادی ندارند. بنابراین امروزه و در وضعیت فعلی، تعداد افراد مشخصی رو به افزایش است که برای رسیدن به هدف‌شان، کاملاً مایل به مشارکت در هدف‌گیری‌های عمدی، کشتار گسترده غیرنظامیان، استخدام بمب‌گذاران انتحاری، استفاده ابزاری از کودکان و سربردن گروگان‌ها در حضور مخاطبان جهانی خود هستند.

وجود چنین ابهامی در تعریفی واحد از واژه تروریسم این خطر را به همراه دارد که فعالیت‌های صلح‌آمیز و شفاف را نیز در برگیرد و مبنایی برای دولت‌های سرکوب‌گر شود تا از این طریق به مخالفان سیاسی خویش حمله کرده یا از مبارزات ضدتروریستی سوءاستفاده کنند.^۱

^۱ بعنوان مثال، رک:

Amnesty International, Rights at Risk: Amnesty International's Concerns Regarding Security Legislation and Law Enforcement Measures (2002). ACT: available at: www.amnesty.org/waronterror/rightsatrisk.pdf

۲- تروریسم در اسناد بین‌المللی

پیش از اتخاذ قطعنامه ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) و تاسیس کمیته مبارزه با تروریسم سازمان ملل^۱، جامعه بین‌الملل پیش از این ۱۲ مورد از ۱۹ ابزار قانونی مبارزه با تروریسم بین‌المللی را منتشر کرده بود. با این حال، میزان پایبندی به این قراردادها و پروتکل‌های کشورهای عضو ملل متحد بسیار پایین بود. در نتیجه تمرکز بر مقابله با تروریسم از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و تصویب قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت (۲۰۰۱)، که از دولت‌ها می‌خواهد تا به این ابزار بین‌المللی تبدیل شوند، میزان پایبندی به آن افزایش یافته است.

حدود دو سوم کشورهای عضو سازمان ملل حداقل ۱۰ مورد از ۱۹ ابزار را یا تصویب و یا به آن ملحق شده‌اند، و دیگر کشوری وجود ندارد که حداقل یکی از آنها را نه امضا شده باشد و نه به عضویت درآمده باشد.

بین سال‌های ۱۹۶۳ تا ۲۰۰۴ تحت نظارت سازمان ملل متحد و آژانس‌های تخصصی آن، جامعه بین‌المللی ۱۳ ابزار مبارزه با تروریسم بین‌المللی را توسعه داد که برای مشارکت تمامی کشورهای عضو باز است. در سال ۲۰۰۵، جامعه بین‌المللی تغییرات اساسی را به سه مورد از این ابزار جهانی بطور خاص برای تهدید تروریسم معرفی کرد. در ۸ جولای همان سال، دولت‌ها اصلاحات مربوط به کنوانسیون حفاظت فیزیکی مواد هسته‌ای را تصویب کرد و در ۱۴ اکتبر آنها با هر دو پروتکل ۲۰۰۵ کنوانسیون برای سرکوب اعمال غیرقانونی در برابر ایمنی ناوگان دریایی و پروتکل ۲۰۰۵ سرکوب اعمال غیرقانونی در برابر ایمنی بسترهای ثابت واقع در فلات ۵۵ قاره موافقت نمودند.

مجمع عمومی از سال ۱۹۷۲ تاکنون بر روی تروریسم بعنوان یک مشکل بین‌المللی تمرکز کرده است و در دهه ۱۹۸۰ بطور متناوب از طریق قطعنامه‌ها به این موضوع پرداخته بود. در طول این مدت، مجمع همچنین دو ابزار مرتبط با مبارزه با تروریسم را تصویب کرد: کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرائم علیه افراد در سطح بین‌المللی از جمله عوامل دیپلماتیک (در ۱۹۷۳)^۲ و کنوانسیون بین‌المللی علیه گروگان‌گیری (در سال ۱۹۷۹)^۳.

در دسامبر ۱۹۹۴، مجمع عمومی مجدداً به این مسأله از طریق یک اعلامیه برای حذف تروریسم بین‌المللی توجه کرد. در سال ۱۹۹۶، ضمیمه این اعلامیه یک کمیسیون ویژه را تشکیل داد تا کنوانسیون بین‌المللی را برای سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی تشریح نماید و پس از آن یک کنوانسیون بین‌المللی برای سرکوب اقدامات تروریستی بین‌المللی به منظور تکمیل چارچوب قانونی جامع کنوانسیون‌های بین‌المللی که با

¹ The Counter-Terrorism Committee

² The Convention on the Prevention and Punishment of Crimes against Internationally Protected Persons, including Diplomatic Agents

³ The International Convention against the Taking of Hostages

تروریسم بین‌المللی سروکار دارند، شود. این ماموریت بطور سالانه توسط مجمع عمومی در قطعنامه‌های خود درباره موضوع اقدامات برای حذف تروریسم بین‌المللی تجدید و بازنگری خواهد شد. در طول دهه گذشته، کشورهای عضو در سه ابزار مبارزه با تروریسم که انواع خاصی از فعالیت‌های تروریستی را پوشش می‌دهند، کار خود را به پایان رساندند: کنوانسیون بین‌المللی پیشگیری از بمب‌گذاری‌های تروریستی؛ کنوانسیون بین‌المللی برای پیشگیری از تامین مالی تروریسم و کنوانسیون بین‌المللی برای جلوگیری از اقدام‌های تروریسم هسته‌ای. آخرین آنها در آوریل ۲۰۰۵ به تصویب رسید و در ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۵، نخستین روز اجلاس جهانی مجمع عمومی به امضا رسید. در طول این نشست سه روزه، ۸۲ کشور عضو آن را امضا کردند.

این کمیته همچنین در چارچوب یک کمیته ویژه قرار دارد که اعضای آن در حال مذاکره درباره پیش‌نویس یک قرارداد جامع درباره تروریسم بین‌المللی هستند. جامعه بین‌المللی از سال ۱۹۶۳، ۱۹ ابزار قانونی بین‌المللی را به شرح ذیل و به منظور جلوگیری از اقدامات تروریستی تشریح کرده است. این ابزارها تحت نظارت سازمان ملل متحد و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی توسعه یافته و برای مشارکت تمامی کشورهای عضو آزاد هستند.

۵۶ - اسناد مربوط به هوانوردی غیرنظامی: (۱) معاهده جرائم اقدامات مشخص دیگر در داخل هواپیما (۱۹۶۳)^۱، (۲) کنوانسیون منع تصرف غیرقانونی هواپیما (۱۹۷۰)^۲، (۳) کنوانسیون جلوگیری از اعمال قوانین غیرقانونی علیه ایمنی هواپیمایی غیرنظامی (۱۹۷۱)^۳، (۴) پروتکل برای جلوگیری از اعمال غیرقانونی خشونت در فرودگاه بین‌المللی هوانوردی غیرنظامی، (۵) متمم کنوانسیون برای جلوگیری از اعمال قوانین غیرقانونی علیه ایمنی هوانوردی غیرنظامی (۱۹۸۸)^۴، (۶) کنوانسیون جلوگیری از اعمال قوانین غیرقانونی در ارتباط با هواپیمایی غیرنظامی بین‌المللی (۲۰۱۰)^۵، (۷) پروتکل الحاقی کنوانسیون جلوگیری از توقیف غیرقانونی هواپیمایی (۲۰۱۰)^۶.

¹ Convention on Offences and Certain Other Acts Committed On Board Aircraft

² Convention for the Suppression of Unlawful Seizure of Aircraft

³ Convention for the Suppression of Unlawful Acts against the Safety of Civil Aviation

⁴ Protocol for the Suppression of Unlawful Acts of Violence at Airports Serving International Civil Aviation, supplementary to the Convention for the Suppression of Unlawful Acts against the Safety of Civil Aviation

⁵ Convention on the Suppression of Unlawful Acts Relating to International Civil Aviation

⁶ Protocol Supplementary to the Convention for the Suppression of Unlawful Seizure of Aircraft

- اسناد مربوط به حفاظت از کارمندان بین‌المللی: کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرایم علیه افراد مصون بین‌المللی (۱۹۷۳).^۱
- اسناد علیه گروه‌گانگیری: کنوانسیون بین‌المللی علیه گروه‌گانگیری (در سال ۱۹۷۹).^۲
- اسناد مربوط به مواد هسته‌ای: کنوانسیون حفاظت فیزیکی مواد هسته‌ای (۱۹۸۰).^۳، اصلاحیه کنوانسیون حفاظت فیزیکی مواد هسته‌ای (۲۰۰۵).^۴
- اسناد مربوط به ناوبری دریایی: کنوانسیون جلوگیری از اعمال قوانین غیرقانونی علیه امنیت ناوبری دریایی (۱۹۸۸).^۵، پروتکل برای جلوگیری از اعمال قوانین غیرقانونی علیه امنیت ناوبری دریایی (۲۰۰۵).^۶، پروتکل برای جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه امنیت سکوهاى ثابت مستقر در فلات قاره‌ای (۱۹۸۸).^۷، پروتکل برای جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه امنیت سکوهاى ثابت مستقر در فلات قاره‌ای (۲۰۰۵).^۸
- اسناد در رابطه با مواد منفجره: کنوانسیون علامت‌گذاری مواد منفجره پلاستیکی برای مقاصد ردیابی (۱۹۹۱).^۹
- اسناد مربوط به بمب‌گذاری‌های تروریستی: کنوانسیون بین‌المللی برای جلوگیری از بمب‌گذاری‌های تروریستی (۱۹۹۷).^{۱۰}
- اسناد در رابطه با تامین مالی تروریسم: کنوانسیون بین‌المللی برای جلوگیری از تامین مالی تروریسم ۵۷ (۱۹۹۹).^{۱۱}
- اسناد در رابطه با تروریسم هسته‌ای: کنوانسیون بین‌المللی برای جلوگیری از اقدامات تروریستی هسته‌ای (۲۰۰۵).^{۱۲}

¹ Convention on the Prevention and Punishment of Crimes Against Internationally Protected Persons

² International Convention against the Taking of Hostages

³ Convention on the Physical Protection of Nuclear Material

⁴ Amendments to the Convention on the Physical Protection of Nuclear Material

⁵ Convention for the Suppression of Unlawful Acts against the Safety of Maritime Navigation

⁶ Protocol to the Convention for the Suppression of Unlawful Acts against the Safety of Maritime Navigation

⁷ Protocol for the Suppression of Unlawful Acts Against the Safety of Fixed Platforms Located on the Continental Shelf

⁸ Protocol for the Suppression of Unlawful Acts Against the Safety of Fixed Platforms Located on the Continental Shelf

⁹ Convention on the Marking of Plastic Explosives for the Purpose of Detection

¹⁰ International Convention for the Suppression of Terrorist Bombings

¹¹ International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism

¹² International Convention for the Suppression of Acts of Nuclear Terrorism

۳- تروریسم در سیاست خارجی ایالات متحده

سیاست خارجی آمریکا در دوران جنگ سرد بیش از هر چیزی متأثر از ایدئولوژی مخالف لیبرالیسم و اتحاد جماهیر شوروی بعنوان مبلغ اصلی این ایدئولوژی بود. اما با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دهه ۱۹۹۰، سیاست خارجی آمریکا دچار نوعی سردرگمی شد، برخی از متفکران آمریکایی، اسلام سیاسی را دشمن اصلی آمریکا معرفی کردند و برخی، سخن از پایان تاریخ و برخی نیز جنگ تمدن‌ها را مطرح ساختند تا بتوانند رقیب جدی تعریف کنند و سیاست خارجی آمریکا را از ابهام خارج کنند، ولی هیچ کدام از این مسائل نتوانستند به اندازه حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر در این راستا الهام‌بخش باشند (گوهری مقدم، ۱۳۸۷: ۲۵۹-۲۵۸). حملات تروریستی که سازمان تجارت جهانی را تخریب و به پنتاگون آسیب رساند، تغییری عظیم و سریع در تاریخ سیاست خارجی آمریکا بوجود آورد پیش از پایان جنگ سرد استراتژی کلان دیگری در واشنگتن پدید آمد که شاخصه آن مبارزه با تروریسم بود. براساس این پارادایم جدید، آمریکا دیگر محدود به متحدان خود نیست بلکه به شکلی یکجانبه‌گرایانه به مبارزه علیه تروریسم و دولت‌های یاغی و سلاح‌های کشتار جمعی می‌پردازد. ایالات متحده از نیروی نظامی بدون رقیب خود برای نظم جهانی استفاده می‌کند (وال، ۲۰۰۲: ۳۲۰). این حوادث باعث تغییرات عمده در برنامه استراتژی ملی و سیاست خارجی جورج بوش گردید بطوریکه برنامه وی از گسترش طرح دفاع موشکی که جنبه دفاعی داشت به ناگاه جای خود را به مبارزه با تروریسم داد و حالتی تهاجمی به خود گرفت.

پس از این رخداد بود که در سیاست‌های خارجی روسای جمهور آمریکا تاکنون مولفه‌هایی اساسی نظیر یکجانبه‌گرایی و حمله پیشدستانه و چندجانبه‌گرایی و قدرت هوشمند را در مبارزه با تروریسم بکار گرفته‌اند که در ادامه به اختصار به آنها خواهیم پرداخت.

۳-۱- یکجانبه‌گرایی

دکترین بوش در مقابله با تروریسم دو مولفه اساسی یکجانبه‌گرایی و دفاع پیشدستانه را در بر گرفته است. از ژانویه ۲۰۰۱ واشنگتن اقدامات یکجانبه‌گرایی را به انجام رسانیده است. در چنین روندی اگرچه آمریکا به دنبال حملات ۱۱ سپتامبر شاهد همدردی‌های قابل ملاحظه‌ای در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی بود و عملیات نظامی حکومت بوش علیه رژیم طالبان در افغانستان با کمک سایر کشورها و مجوز شورای امنیت صورت گرفت، اما در سال ۲۰۰۲ زمامداران آمریکا اعلام کردند که رژیم بعث در عراق را در صورت ضرورت بطور یکجانبه با استفاده از نیروی نظامی منهدم و سرنگون خواهند کرد. این در حالی بود که عراق تهدید مشخصی برای حمله به آمریکا به حساب نمی‌آمد (متقی، ۱۳۸۸: ۲۶). همین موضوع عدم همراهی هم‌پیمانان آمریکا در ناتو در حمله به عراق نظیر فرانسه و آلمان را در پی داشت. به نظر می‌رسد این رفتار آمریکا ناشی از حس

تفوق‌طلبی و پیش بردن اهداف خود در سطح جامعه بین‌الملل است و تنها زمانی درصد همکاری جهانی بر می‌آید که در راستای منافع خود باشد. در این تفکرات ایالات متحده نقش تعیین‌کننده‌ای در شناسایی تهدیدات، توسل به زور و اجرای عدالت خواهد داشت. این امر به آن علت مورد توجه قرار گرفت که آمریکا تروریسم را دشمن اصلی خود فرض نمود و در راستای شکست آن بدون توجه به سازمان ملل و دیگر کشورها اقدام نمود که در واقع این موضوع بیش از هر چیز بهانه‌ای برای اعمال سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه و گسترش هژمونی ایالات متحده در جهان گردید آنچنانکه در دولت ترامپ نیز بعضاً این نوع رفتارها مشاهده می‌گردد.

۳-۲- حمله پیش‌دستانه

استراتژی حمله پیش‌دستانه بعنوان امری برای مقابله با تهدیدات نامتقارن تلقی می‌شود. حمله پیش‌دستانه راه‌حلی بر این باور است که حمله دشمن اجتناب‌ناپذیر و فوری است و از این‌رو، فرصت اندکی برای جلوگیری از آغاز آن وجود دارد. از این‌رو با توجه به ماهیتی که تروریسم دارد همیشه تهدیدات فوری قلمداد می‌شوند. در سند راهبری امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۰۲، بطور مشخص به واژه پیش‌دستانه اشاره شده است. این سند استدلال می‌کند که بازدارندگی و دفاع در برابر تروریست‌ها و دولت‌های یاغی، نمی‌تواند به تامین امنیت ایالات متحده منجر شود. این استراتژی به تحقق یکجانبه‌گرایی و مداخله‌گرایی انجامید و در واقع به بهانه مبارزه با تروریسم فرصتی برای تثبیت قدرت هژمونیک این کشور و تحقق اهداف جهانی آن ایجاد نمود.

۵۹

۳-۳- چندجانبه‌گرایی

چندجانبه‌گرایی را می‌توان در الگوی رفتاری باراک اوباما در مبارزه با تروریسم مشاهده نمود که شامل چندجانبه‌گرایی و گسترش همکاری با قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای و همچنین بهره‌گیری از قدرت هوشمند بوده است چنانکه در سند راهبری خود در سال ۲۰۱۰ محورهای نخست سیاست خارجی خود را به شرح ذیل برشمرده است:

- (۱) خودداری از یکجانبه‌گرایی در حل مسائل بین‌المللی؛
- (۲) تامین و استواری امنیت ملی آمریکا از طریق همکاری با متحدان آن و تاکید بر گسترش همکاری با قدرت‌های نوظهور مانند چین، هند روسیه؛
- (۳) لزوم پیوند میان قدرت اقتصادی و نظامی؛
- (۴) نظارت بر فراز و فرود جریان دموکراتیزاسیون در جوامع دیگر به جای سیاست دموکراسی‌سازی با حمله نظامی؛
- (۵) تبدیل خط‌مشی جنگ پیش‌دستانه به مناسبات و همکاری (متقی و رهنورد، ۱۳۸۹: ۱۳۳-۱۳۲).

رویکردی که بر مبنای همکاری و تعامل با جهان و پرهیز از ایجاد رعب و وحشت و تثبیت هژمونی ایالات متحده از طریق جایگزین نمودن چندجانبه‌گرایی و تعامل دیپلماتیک به جای یکجانبه‌گرایی و جنگ و تهدید می‌باشد. او با معتقد است ایالات متحده آمریکا الگوی مناسبی برای جهانیان بشمار می‌آید. وی بر تلاش آمریکا برای زندگی بر اساس ارزش‌های خود و حفظ مبانی دموکراسی در جامعه خود تاکید کرده و حمایت ایالات متحده آمریکا را از کسانی که در خارج از مرزهای آمریکا در بهره‌مندی از این ارزش‌ها و اصول دموکراتیک محروم شده‌اند، لازم می‌داند (راهبرد امنیت ملی آمریکا، ۲۰۱۰: ۱۰).

این در حالیست که بنظر می‌رسد در عمل هدف دولت ترامپ از این چندجانبه‌گرایی تحقق اهداف خود در وهله اول و تأیید آن از سوی سایر شرکاء می‌باشد. بعبارت دیگر می‌توان بیان نمود که همراه با یکجانبه‌گرایی که غالباً صورت می‌گیرد در برخی از موارد سعی بر آن داشته تا برخی از اعضای جامعه جهانی را نیز به همراه خود داشته باشد. بدیهی است در این حالت نشانی از همکاری و تعامل وجود نخواهد داشت و شکل دیگری از اعمال قدرت و تفوق‌طلبی را در دولت وی شاهد هستیم.

۳-۴- قدرت هوشمند^۱

مدت‌هاست در روابط بین‌الملل از سوی جوزف نای «توانایی تلفیق و ترکیب قدرت سخت و نرم در راهبرد پیروزی» بعنوان یک راهبرد تعریف شده است. به گفته برخی از کارشناسان همانند «آلن چستر کراکر» این راهبرد شامل استفاده راهبردی از دیپلماسی، متقاعدسازی، ظرفیت‌سازی و طرح‌ریزی قدرت و نفوذ است که مقرون به صرفه و دارای مشروعیت سیاسی و اجتماعی است و در اصل از تعامل از هر دو نیروی نظامی و تمام اشکال دیپلماسی نشات می‌گیرد^۲. جوزف نای در تعریفی دیگر قدرت هوشمند را بدین صورت تعریف کرده است: «قدرت هوشمند یعنی قدرت آمریکا در بهره‌برداری از منابع گوناگون از جمله قدرت نرم برای جذب دیگران و اینکه ما چگونه می‌توانیم دیگر کشورها را برای به اشتراک گذاشتن اهدافمان، بدون توسل به زور که محدود و به ناچار هزینه بر است با خود همراه کنیم (www.csissmartpower.org).

در همین راستا اتخاذ سیاست قدرت هوشمند در سیاست خارجی و منطقه‌ای ایالات متحده در حوزه خاورمیانه و سنگینی توجه و گرایش به آمریکا به افغانستان جهت ریشه‌کن شدن تروریسم، اولین گامی بود که او با ما در همان اول ریاست جمهوری خود در کاخ سفید برداشت (محقق، ۱۳۹۰: ۶۳).

^۱ Smart power

^۲ https://csisprod.s3.amazonaws.com/s3fspublic/legacy_files/files/media/csis/pubs/071106_csissmartpowerreport.pdf

۳-۵- قوانین داخلی آمریکا

بررسی‌ها در خصوص روند قانونگذاری و مبارزه با تروریسم در آمریکا موید این موضوع است که پس از حملات ۱۱ سپتامبر یک نوع استراتژی دفاعی با رویکرد قانونگذاری و اعمال محدودیت‌های حقوقی در این خصوص را شاهد بوده‌ایم. تا قبل از سال ۲۰۰۱ در میان قوانین اولیه^۱ ایالات متحده آمریکا قوانینی نظیر قانون سرویس اطلاعاتی خارجی (۱۹۷۸)، اصلاح شده در ۲۰۰۵^۲، قانون دستورالعمل اطلاعات محرمانه (۱۹۸۰)^۳، قانون ضدتروریسم و مجازات مرگ موثر (۱۹۹۶)^۴، عنوان پنجم قانون مهاجرت و ملیت در خصوص فرآیند حذف تروریست خارجی (۱۹۹۶)^۵ را می‌توان ملاحظه نمود. پس از ۱۱ سپتامبر موج جدیدی از قانونگذاری رخ داد که منجر به ایجاد قوانینی نظیر لایحه میهن دوستی آمریکا (۲۰۰۱)^۶، قانون امنیت هوانوردی و حمل و نقل (۲۰۰۱)^۷، قانون مبارزه با خطر تروریسم (۲۰۰۲)^۸، قانون بین‌المللی اضطراری قدرت‌های اقتصادی (۲۰۰۳)^۹، کد ایالات متحده شامل بخش‌هایی از عناوین هشتم، هجدهم، بیست و دوم، بیست و ششم و پنجاهم مصوب سال ۲۰۰۳^{۱۰}، قانون امنیت وطن (۲۰۰۲)^{۱۱}، قانون اصلاحات اطلاعاتی و پیشگیری از تروریسم (۲۰۰۴)^{۱۲} تدابیر امنیتی و امنیتی برای همه ایالات (۲۰۰۶)^{۱۳}، قانون تخصیص امنیت داخلی (۲۰۰۷)^{۱۴} قانون مهاجرت تروریستی (۲۰۱۰)^{۱۵} و موارد متعدد دیگر را مشاهده نمود.^{۱۶}

¹ Primary legislation

² Foreign Intelligence Service Act

³ Classified Information Procedure Act

⁴ Anti - terrorism and Effective Death Penalty Act

⁵ Immigration and Nationality Act (Title V - Alien Terrorist Removal Procedure)

⁶ USA PATRIOT Act

⁷ Aviation and Transportation Security Act

⁸ Terrorism Risk Insurance Act

⁹ International Emergency Economic Powers Act

^{۱۰} برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: <https://www.govinfo.gov/help/uscode>

¹¹ Homeland Security Act

¹² Intelligence Reform and Terrorism Prevention Act

¹³ Security and Accountability for Every Port Act

¹⁴ Homeland Security Appropriations Act

¹⁵ Terrorist Expatriation Act

^{۱۶} برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: <https://www.legislationline.org/topics/topic/5/country/54>

۴- قرار گرفتن سپاه پاسداران در لیست سازمان‌های تروریستی آمریکا

ایالات متحده آمریکا در تاریخ ۱۹ فروردین ۱۳۹۸ مستند به بخش ۲۱۹ قانون مهاجرت و ملیت (INA)، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داد. سازمان‌های تروریستی خارجی (FTOs) سازمان‌هایی خارجی هستند که توسط اداره مبارزه با تروریسم وزارت امور خارجه آمریکا مورد شناسایی قرار می‌گیرند.

در بیانیه کاخ سفید، دونالد ترامپ این اقدام را عملی بی‌سابقه دانست. منظور ترامپ این بود که برای نخستین بار است که آمریکا، نهادی وابسته به یک حکومت خارجی را یک سازمان تروریستی قلمداد می‌کند. او تاکید کرد این اقدام، بخش مهمی از هدف گسترش میزان و وسعت فشار حداکثری بر ایران است.^۱ مایک پومپئو نیز در اظهارات خود در نشست مطبوعاتی همین موارد را منعکس کرد و بیان کرد این اقدام بازوی جمهوری اسلامی برای اجرای سیاست‌های خصمانه در منطقه را قطع می‌کند.^۲

ماده (۱۱۸۹) قانون U.S.C به وزارت امور خارجه آمریکا مجوز می‌دهد اگر یک نهاد خارجی را مشغول به فعالیت‌های تروریستی بداند که برای جان شهروندان آمریکایی یک خطر تلقی بشوند، می‌تواند آن را در فهرست گروه‌های تروریستی وارد کند. قصد وزیر برای این منظور همراه با شواهد مربوطه، ابتدا به اطلاع کنگره می‌رسد. این مراحل دلیل تاخیر اعلام این تصمیم پس از اظهار نظر ابتدایی ترامپ درباره آن است. موضوعی که پس از طی زمان قانونی هفت روزه به تایید کنگره نیز رسید. پیرو بند دوم ماده اخیرالذکر، اختیاراتی طبق صوابدید وزیر خزانه‌داری پیش‌بینی شده که تمام نهادهای مالی تحت فرمان را به ضبط دارایی‌ها و لغو معاملات آن نهاد تروریستی ملزم می‌کند. تمام اعضای آن نهاد نیز از ورود به خاک آمریکا منع می‌شوند.

براساس قانون فوق، کلیه اتباع خارجی که در خارج از آمریکا آگاهانه از نهادهایی که وارد این فهرست می‌شوند حمایت مادی کنند، بلافاصله مشمول پیگرد کیفری فراسرزمینی می‌شوند. در راستای همین قانون، پیگرد قانونی حتی «چنانچه ... پس از ارتکاب جرم، مجرم به آمریکا آورده شود یا در داخل آمریکا باشد، و حتی اگر جرم در خارج از آمریکا صورت گیرد» همچنان برقرار است.

این بدان معناست که اتباع خارجی حتی در صورتی که فاقد شخصیت حقوقی در آمریکا بوده و خارج از این کشور با اعضای فهرست سازمان‌های تروریستی همکاری کرده و تأثیرات این همکاری در داخل آمریکا مشاهده نشود، باز مشمول پیگرد قانونی خواهند شد.

^۱ https://www.whitehouse.gov/briefings-statements/statement-president-designation-islamicrevolutionary-guard-corps-foreignterroristorganization/?utm_source=twitter&utm_medium=social&utm_campaign=wh

^۲ مشروح این نشست خبری در پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت امور خارجه آمریکا قابل دسترسی است: <https://www.state.gov/secretary/remarks/2019/04/290966.htm>

از جمله عواقب این اقدام آن است که ایرانیانی که خدمت سربازی خود را در نهادهای وابسته به سپاه به پایان برده باشند ممکن است از ورود به آمریکا منع شوند.

همانطور که اشاره شد سپاه پاسداران پیش از این نیز تحت برخی قوانین مرتبط با فعالیت‌های تروریستی مشمول تحریم‌های زیادی شده بود. این قوانین پیامدهای ثانویه وسیعی در حوزه تحریم دارند. بعنوان مثال تمام اشخاص و نهادهایی که با سپاه روابط اقتصادی داشته باشند یا خدمات مالی و تسهیل معاملات آن را مهیا کنند، تحت تحریم قرار می‌گیرند. به دلیل وسعت این تحریم‌های ثانویه، اداره افک خزانه‌داری آمریکا (OFAC)^۱، بخش ویژه‌ای برای شفافیت مقررات مربوط به سپاه پاسداران تخصیص داده تا نهادهای خارجی به راحتی با مخاطرات معامله با ایران و سپاه آشنا شوند.

به علاوه بخش تقنینی آمریکا در موارد متعدد ریاست‌جمهوری را به شناسایی عوامل و افراد وابسته به سپاه برای تحت تحریم قرار گرفتن ملزم کرده است.

در سال ۲۰۱۷ و برطبق قانون مقابله با دشمنان آمریکا از طریق تحریم‌ها^۲ موسوم به قانون کاستا که کشورهای روسیه، کره شمالی و ایران را هدف قرار داده است، راهبرد منطقه‌ای مقابله با تهدیدهای متعارف و غیرمتوازن ایران در خاورمیانه و شمال آفریقا، اعمال تحریم‌های بیشتر در پاسخ به برنامه موشک‌های بالستیک ایران، اعمال تحریم‌های مرتبط با تروریسم در رابطه با سپاه پاسداران، اعمال تحریم‌های بیشتر در ۶۳ رابطه با اشخاص مسئول در نقض حقوق بشر، اعمال تحریم‌های تسلیحاتی، تداوم تاثیر تحریم‌های مرتبط با حمایت ایران از تروریسم، گزارش درباره هماهنگی تحریم‌ها میان ایالات متحده و اتحادیه اروپا و گزارش درباره شهروندان آمریکایی بازداشت شده در ایران را شامل می‌شود. در قسمت پنجم این قانون که در ارتباط با تحریم‌های در نظر گرفته شده برای با ایران می‌باشد، سپاه پاسداران به دلیل آنچه آمریکا آن را حمایت از تروریسم خوانده مورد تحریم قرار گرفته است. براساس قانون کاتسا، دارایی‌های افراد و شرکت‌های مرتبط با سپاه پاسداران در آمریکا بلوکه شده، شرکت‌ها و افراد آمریکایی امکان معامله با آنها را نداشته و این افراد امکان ورود به آمریکا را نخواهند داشت.

قسمت‌هایی از تحریم‌های بخش پنجم این قانون عبارتند از:

نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بازوی اصلی دولت ایران برای اجرای سیاست‌های آن در حمایت از گروه‌های تروریستی و شورشی است. نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کمک لجستیکی، حمایت مادی، آموزشی و مالی در اختیار شبه نظامیان و عوامل تروریستی در سراسر خاورمیانه و جنوب آسیا قرار می‌دهد و در اکتبر ۲۰۰۷ به دلیل حمایت از تروریسم و از سوی وزارت خزانه‌داری و متعاقب فرمان اجرایی

¹ Office of Foreign Assets Control

² Countering America's Adversaries Through Sanctions Act

مرتبط با توقیف اموال و منع نقل و انتقالات میان اشخاصی که مرتکب اعمال تروریستی شده یا تهدید به ارتکاب آن می‌کنند یا از آن حمایت می‌کنند تحریم‌هایی علیه آن وضع شد.

سپاه پاسداران (نه فقط سپاه قدس) مسئول اجرای برنامه بین‌المللی ایران برای اجرای فعالیت‌های بی‌ثبات کننده، حمایت از اقدامات تروریستی بین‌المللی و برنامه موشک‌های بالستیک است.

طبق قوانین فعلی این افراد اگر همکاری عمده و قابل توجه با سپاه داشته باشند که منجر به مرگ کسی نشود، حداکثر تا بیست سال مجازات حبس در انتظارشان خواهد بود؛ بنابراین این افراد اگر حتی هیچ ارتباطی با قلمرو آمریکا نیز نداشته باشند، مشمول قوانین تنبیهی ایالات متحده آمریکا خواهند بود. این امر باعث می‌شود شرکای تجاری ایران احتیاط بیش از حدی را در معامله با این کشور مدنظر قرار بدهند.^۱

در سال ۲۰۰۷ و در دوره ریاست‌جمهوری جرج بوش، شاخه برون مرزی سپاه (نیروی قدس) مشمول فرمان اجرایی ۱۳۲۲۴ شد که آن را در فهرست سازمان‌هایی قرار می‌داد که ظن ارتباط آنها با گروه‌های تروریستی می‌رود. فرمانی که مبنای ایجاد قانون کاتسا قرار گرفته است. این در حالیست که در همان سال ۲۰۰۷، از سوی دولت بوش زمزمه‌هایی وجود داشت که کل مجموعه سپاه پاسداران در فهرست تحریم‌ها قرار گیرد، اما مخالفت‌های عده‌ای از مسئولان آمریکایی سبب شد تا آن طرح منتفی شود.

سپاه پیش از این نیز مشمول تحریم‌هایی جدای از بحث تروریسم از سوی آمریکا گردیده بود همانطور که وزارت خزانه‌داری آمریکا در بیانیه خود در خصوص قانون کاستا بیان داشته است: سپاه براساس فرمان اجرایی ۱۳۳۸۲ (مربوط به تولید و تکثیر تسلیحات کشتار جمعی)، فرمان اجرایی ۱۳۵۵۳ (مربوط به تخلفات حقوق بشری) و ۱۳۶۰۶ (مربوط به تخلفات حقوق بشری در ایران و سوریه با استفاده از فناوری اطلاعات) نیز تحت تحریم قرار دارد و افرادی که در برخی فعالیت‌های خاص با مشارکت سپاه حضور دارند هم ممکن است با تحریم‌های ثانویه مواجه شوند. این وزارت درباره ویژگی این تحریم‌ها توضیح داده است: اقدام اخیر در معرفی سپاه تحت فرمان اجرایی ۱۳۲۲۴ و براساس اختیارات ما در حوزه مقابله با تروریسم، پیامدهای بیشتری را متوجه سپاه و دامنه برخی فعالیت‌های آن را محدود می‌کند. وزارت خزانه‌داری آمریکا درباره تحریم با فرمان اجرایی ۱۳۲۲۴ تأکید کرده است: افرادی که براساس فرمان اجرایی ۱۳۲۲۴ که اکنون شامل سپاه پاسداران است، معرفی شده‌اند، ممکن نیست براساس قانون اختیارات اقتصادی اضطراری، بتوانند از معافیت‌های موسوم به معافیت‌های برمن^۲ استفاده کنند (www.farda.fr/0035wt).

^۱ برای مطالعه بیشتر بنگرید به: <https://www.congress.gov/bill/115th-congress/house-bill/3364/text>

^۲ نماینده سابق آمریکا هاوارد آل. برمن (D - CA)، اظهار داشته است: "این حقیقت که ما با دولت یک کشور خاص مخالف هستیم نباید مانع گفتگوی ما با مردمی باشد که زیر تحریم این دولت‌ها رنج می‌برند."

۵- اقدامات جمهوری اسلامی ایران

همانطور که اشاره گردید سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران که برخاسته از ماده (۱۵۰) قانون اساسی ایران و در پی صلاحدید رهبر انقلاب در سال ۱۳۵۸ تاسیس گردید اولین نهاد رسمی، نظامی و دفاعی یک کشور است که از سوی کشوری دیگر تروریستی خطاب می‌گردد. اقدام آمریکا در خصوص تروریستی نامیدن سپاه واکنش‌های گسترده‌ای را در سطح منطقه و داخلی برجای گذاشت. در بعد واکنش‌های داخلی می‌توان اینگونه بیان نمود که حمایتی کامل از طرف تمامی مقامات و دستگاه‌های کشور و عامه مردم را در حمایت از سپاه پاسداران شاهد بوده‌ایم. در بعد منطقه‌ای نیز تعدادی از کشورها و گروه‌های مقاومت اسلامی این اقدام آمریکا را به شدت محکوم نموده‌اند.

جمهوری اسلامی ایران در اولین گام از سوی شورایی عالی امنیت ملی ضمن صدور اطلاعیه‌ای محکومیت شدید اقدام غیرقانونی و خطرناک رژیم ایالات متحده آمریکا در قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی در اقدام متقابل در برابر اقدام غیرقانونی آمریکا را اعلام می‌نماید، رژیم ایالات متحده آمریکا را دولت حامی تروریسم و فرماندهی مرکزی آمریکا موسوم به سنتکام و تمامی نیروهای وابسته به آن را گروه تروریستی می‌داند و بیان می‌دارد این فرماندهی مسئولیت اجرای سیاست‌های تروریستی دولت آمریکا علیه منطقه غرب آسیا را به عهده داشته که امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و جان افراد بی‌گناه ایرانی و غیرایرانی را برای تحمیل سیاست‌های خصمانه ایالات متحده به خطر انداخته است که از آن جمله حمله وحشیانه و عامدانه به هواپیمای مسافربری ایران در سال ۱۳۶۷، مشارکت در کشتار مردم یمن و دیگر شهروندان غیرنظامی در غرب آسیا را می‌توان نام برد (www.isna.ir).

همچنین کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی طرح اقدام متقابل در برابر اعلام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بعنوان سازمان تروریستی توسط ایالات متحده آمریکا را در ۱۴ ماده به تصویب صحن علنی مجلس رسانید که پس از تصویب نهایی لازم‌الاجرا می‌باشد.

محمدجواد ظرف وزیر امور خارجه ایران نیز علاوه بر ارسال نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل و شورای امنیت عواقب اقدام بی‌سابقه ایالات متحده آمریکا را متوجه این کشور دانست و با بیان اقدام متقابل جمهوری اسلامی تصریح نمود که به‌رغم اقدام‌های متعدد مستقیم و غیرمستقیم صورت گرفته از سوی سنتکام که ذات تروریستی دارد، اعلان این نهاد دولتی بعنوان یک سازمان تروریستی توسط ایران صرفاً براساس عمل متقابل است و نباید تغییر در موضع حقوقی ایران در ارتباط با اصل برابری حاکمیت دولت‌ها و تعریف تروریسم تلقی شود. وی از ارکان مذکور سازمان ملل درخواست نمود تا نامه صادره بعنوان سند مجمع عمومی و شورای

امنیت منتشر شود.^۱ همچنین در اقدامی مشابه ظریف نامه‌ای را به وزاری امور خارجه سایر کشورها ارسال و عواقب این اقدام را به آنان ترسیم نموده است.

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با استفاده از ظرفیت‌های خود در عرصه دیپلماسی رسانه‌ای سعی بر آن داشته تا این عمل ایالات متحده را که فاقد ارزش حقوقی و مخالف نظم بین‌المللی قلمداد نموده به اطلاع جامعه جهانی برساند. در تازه‌ترین اقدام وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در مصاحبه‌ای با فاکس نیوز به تشریح اقدامات اخیر پرداخت. موضوعی که خشم مقامات ایالات متحده را در پی داشته است.

نتیجه‌گیری

تروریست خواندن نیروی نظامی یک دولت در چارچوب‌های مختلف حقوق بین‌الملل - اعم از چارچوب حقوق بشردوستانه و چارچوب حقوقی منشور سازمان ملل - قابل نقد است. حقیقت این است که نامگذاری نیروی نظامی یک دولت بعنوان «سازمان تروریستی» اساس و مبنای حقوقی ندارد و صرفاً یک اقدام سیاسی است. طبیعتاً دخالت دادن امر «سیاست» در یک رژیم حقوقی نیز هم‌عینیت و منطبق حاکم بر آن را مخدوش می‌کند و هم آن نظام حقوقی را به شدت شکننده می‌سازد. بعنوان مثال، اگر مرسوم شود سایر دولت‌ها نیز - در تقابل یا به تبعیت از اقدام آمریکا - نیروهای نظامی یکدیگر را سازمان تروریستی بخوانند، یک سرباز - که قاعدتاً باید در صورت اسیر شدن در خاک حریف مورد حمایت کنوانسیون‌های ژنو قرار بگیرد و مثلاً از تعقیب قضایی مصون بماند - ممکن است به جای برخورداری از حقوق مندرج در کنوانسیون‌های ژنو و عرف حاکم بر منازعات مسلحانه، بعنوان تروریست و قاتل مورد بازجویی و محاکمه قرار بگیرد. در این صورت، از رژیم حقوق بشردوستانه - که رفتار با اسیر از ارکان اصلی آن است - چه باقی می‌ماند؟ همچنین اگر بنا باشد دولت‌های عضو سازمان ملل با تروریست خواندن نیروهای نظامی یکدیگر، عملاً حق «دفاع مشروع» را در مورد یکدیگر زیر سوال ببرند، چگونه می‌توانند در چارچوب یک نظم قانون محور با یکدیگر تعامل کنند؟

از نظر حقوقی، صرف این نامگذاری به صورت خودکار به دولت آمریکا مجوز برخورد نظامی با نیروهای سپاه را نمی‌هد. در شرایط فعلی، دولت آمریکا برای انتخاب هدف‌های نظامی خود، مقید به رعایت محدودیت‌های قانون مجوز استفاده از نیروی نظامی^۲ کنگره است و این نامگذاری تغییری در این قانون یا تفسیر آن بنحویکه سپاه را شامل شود ایجاد نمی‌کند. اما طبیعتاً، چسباندن برچسب تروریست به یک نیروی مسلح، به دستگاه

^۱ متن کامل این نامه قابل مشاهده در: <https://tn.ai/1987023>

^۲ The Authorization for Use of Military Force (2001)

تبلیغاتی تندروهای واشنگتن این فرصت را می‌دهد تا علیه سپاه فضا سازی کنند، اتهاماتی را در چارچوب عملیات پرچم دروغین^۱ متوجه آن کنند و زمینه را برای برخورد ولو برخوردهای عارضی و تصادفی آماده کند.

مطابق این قانون که در واکنش به حمله ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تصویب شد دولت آمریکا می‌تواند صرفاً علیه طراحان این حمله و شرکای آنها (یعنی القاعده و شرکا) به زور متوسل بشود. یعنی باید ثابت کند نیروی موردنظر آن مرتبط و شریک طراحان حمله ۱۱ سپتامبر است؛ که اثبات این رابطه هم ارتباطی با تروریست بودن یا نبودن آن نیروی موردنظر ندارد. در واقع، طبق تفاسیری که از این قانون شده، حتی دولت‌ها هم می‌توانند مشمول تعریف شریک باشند. پس آنچه این قانون را قابل استناد می‌کند رابطه است و تروریست خواندن یا نخواندن سپاه تأثیری در این امر ندارد. سناریوی دیگر برای توسل به زور در نظام حقوقی آمریکا هم، امکان استناد رئیس‌جمهور (بعنوان فرمانده کل قوا) به اختیارات خود مطابق قانون اساسی است، که این امر هم ربطی به تروریست بودن یا نبودن نیروی مورد هدف ندارد. اگرچه این نامگذاری از نظر حقوقی تأثیری بر اختیار دولت آمریکا برای ورود به جنگ با ایران نمی‌گذارد، اما از نظر روانی و تبلیغاتی، دست تندروها را برای ایجاد زمینه‌های تقابل نظامی بازتر می‌کند. همین موضوع سبب گردیده تا از هم‌اکنون کنگره به فکر تصویب قانونی است که به موجب آن دولت ترامپ ملزم شود پیش از هرگونه اقدام نظامی علیه ایران به ۶۷ صورت خاص و مشخص از کنگره مجوز دریافت کند.

بیراهه نرفته‌ایم اگر بگوییم ایالات متحده آمریکا در دوره از فضای غبارآلودی که از تعریف تروریسم در عرصه بین‌الملل ایجاد شده گهگاه براساس سیاست‌های یکجانبه خود اقدام و با بکارگیری برخی رفتارها در جهت منافع خود گام بر می‌دارد حتی اگر مغایر با رویه‌های بین‌المللی باشد و در این راه شرکائی نیز برای خود دست و پا می‌کند. به دیگر سخن دولت ترامپ از تمامی ظرفیت‌ها و ابزارهایی که دولتمردان پیشین ابداع نموده‌اند در حال استفاده است بنحویکه یکجانبه‌گرایی، چندجانبه‌گرایی و استفاده از قدرت هوشمند را در دستور کار خود قرار داده و به تعبیر برخی دکتترین جدیدی با عنوان فشار را اعمال می‌نماید.

علی‌ایحال این اقدام را می‌توان خلاف اصول مصرح در منشور ملل متحد همچون اصل منع توسل به زور، اصل عدم مداخله، اصل تساوی حاکمیت دولت‌ها، ناقض صلح و امنیت بین‌المللی و مصداق بارز جنگ‌افروزی دانست. موضوعی که شورای امنیت بعنوان رکن حافظ صلح سازمان ملل متحد باید فوراً در قبال آن تصمیمی اساسی را اتخاذ نماید. همچنین وفق مواد (۴۰) و (۴۱) مواد مسئولیت دولت‌ها (۲۰۰۱) محکوم به عدم شناسایی است. امری که باید اصولاً به شورای امنیت گزارش شود.

^۱ False Flag

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- گوهری مقدم، ابوذر (۱۳۸۷)، «مروری بر تغییر پارادایمی در سیاست خارجی آمریکا در دوران بوش»، فصلنامه راهبرد، ش ۱۶.
- ۲- متقی، ابراهیم (۱۳۸۸)، «همکاری نامتقارن ایران و آمریکا در دوران اوباما»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، دوره ۱، ش ۳.
- ۳- متقی، ابراهیم و رهنورد، حمید (۱۳۸۹)، «نشانه‌ها و فرایندهای سیاست خارجی اوباما»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، دوره ۲، ش ۶.
- ۴- محقق، رضا (۱۳۹۰)، «مرگ بن‌لادن و مانور تبلیغاتی اوباما»، مجله پیام انقلاب، ش ۴۷.
- ۵- محمدی عراقی، محمود (۱۳۸۸)، «علل تکوین تروریسم و شیوه‌های مقابله با آن»، مجموعه سخنرانی‌های همایش اسلام قربانی تروریسم، تهران: مجمع جهانی صلح اسلامی.

لاتین:

- 6- Consis Oxford English Dictunery (2004). digital edition Encyclopedia Britanica, <http://www.britannica.com/EBchecked/topic/588371/terrorism>
- 7- Scharf, Michael P (2004). Defining Terrorism as the Peacetime Equivalent of War Crimes: Problems And Prospects, 36 Case W. Res. J. Int'l L. 359, 360-61.
- 8- National security strategy (2010). available at: <http://nssarchive.us/NSSR/2010>
- 9- Schinkel, Willem (2009). On the Concept of Terrorism, Contemporary Political Theory, Vol. 8, (2), May.
- 10- Statute of the Special Tribunal for Lebanon, 31 Jan, 2007.
- 11- United Nations Document A/RES/51/210 on Measures to Eliminate International Terrorism.
- 12- Walt, Stephen (2002). Beyond Bin Laden: Reshaping U.S. Foreign Policy International Security, Winter 2001 /2002, In America and the world.

سایت‌ها:

- 1- <https://www.congress.gov/bill/115th-congress/house-bill/3364/text>.
- 2- https://csisprod.s3.amazonaws.com/s3fspublic/legacy_files/files/media/csis/pubs/07116
- 3- <https://www.csispower.org>
- 4- <https://www.farda.fr/0035wt>
- 5- <https://www.govinfo.gov/help/uscode>
- 6- <https://www.isna.ir/news/98011906993/>
- 7- <https://www.legislationline.org/topics/topic/5/country/54/>
- 8- <https://state.gov/secretary/remarks/2019/04/290966.htm>
- 9- <https://tn.ai/1987023>
- 10- <https://www.un.org/sc/ctc/resources/international-legal-instruments>